لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

این رساله شکیات [illegible] تصنیف [illegible]

[illegible]

وجعل الجنة مثواه بعد از تصحیح و توشیح و ترجیح اشی فتاوی جناب

مقدس القاب سید العلماء وافقه الفقهاء وحید الدهر فرید العصر [illegible]

امام زمان مجتهد العصر والدوران افضل المصطفین مقتدی الخاقین سمی جد

الی عبدالله الحسین لازالت شموس افاداته بازغة و [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در مطبع [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی ازاح ظلمات الشبهات والشکوک والاوهام عن مناهج المسائل والاحکام بشریعة سید الانام وروایات اهل بیته الکرام صلوات الله علیه وعلیهم ما استنار نهار وادلهم ظلام

اما بعد چنین گوید خاک راه سالکان مسالک شرع مبین محمد باقر بن محمد تقی حشرهما الله تعالی مع موالیهما الطیبین الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که چون نماز اشرف عبادات و اعظم قربات ربانیه است و باین سبب شیطان علیه اللعنه در ابطال آن زیاده از سائر اعمال و احوال سعی در شغل خاطر آدمی و اخلال حضور قلب که اهم شرائط و آداب نماز است

... بسبب کثرت وسواس شیطان شک و سهو و نسیان اکثر نمازگزارندگان
را عارض میشود و محتاج بدانستن مسائلی که متعلق بآن [illegible] میکردند
بسبب عدم علم بآنها نماز خود را در معرض بطلان و فساد [illegible] بعضی از
[illegible] قائل شده اند که باطل است نماز کسی که [illegible] ضروریه
شک و سهو [illegible] ندانند هرچند شک و سهو در نماز [illegible] عارض نشود لهذا بعضی از
برادران ایمانی ازین قلیل البضاعت التماس رساله نمودند [illegible]
ضروریه شک و سهو بوده باشد و استدعا نمودند که بلغت فارسی در غایت
وضوح نوشته شود که نفعش اعم و فایده اش اتم بوده باشد اجابت مسئول
ایشان را لازم دانسته از هادی گم گشتگان بوادی حیرت استدعای عصمت
از عوارض سهو و نسیان [illegible] نموده بسبیل استعجال با وجود [illegible] اشتغال برخی
[illegible] ایشان تحریر نمود و بر مقدمه و پنج فصل و خاتمه مرتب کرد [illegible] مقدمه
پس در بیان اصطلاحی چند است که درین رساله دانستن آنها ضرور است بدان
ارشدک الله تعالی که در نماز آنچه واجب است رعایت آن چند قسم است یا
یا داخل در نماز است یا خارج از نماز و آنچه داخل در حقیقت نماز است یا رکن است
که بزیادتی و نقصان آن عمداً و سهواً غالباً نماز باطل میشود یا واجبی است غیر
رکن که ترک آن از روی فراموشی نماز باطل نمی شود و آنچه خارج از حقیقت
نماز است یا شرط صحت نماز است مانند طهارت از حدث و خبث یا [illegible] چند است

که در نماز واجب است که آنها را ترک ننماید مانند ترک سخن گفتن و بتجا [illegible] واجب است
[illegible] اخلال نمودن یا بعنوان علم و عمد است که دانسته بکند عالم باشد
[illegible] مسئله و عمد است که مسئله بداند و گمان کنند که [illegible]
[illegible] یا بعنوان سهو است که از روی فراموشی [illegible]
[illegible] است که تردد داشته باشد که آیا کرده است یا نکرده است [illegible]
[illegible] انصراف راجح را ظن میگویند و طرف مرجوح را وهم میگویند
یا شک کرده یا بمعنی که متردد است در فعل و ترک هیچ یک در نظر او رجحان ندارد
و احکام هر یک از اینها را بعون الهی در فصلی بیان می نماییم و بدانکه چون احتیاط
در دین امری است مطلوب و مرغوب و بسیاری از مسائل خلافی بسیار است
و احادیث متعارضه نیز هست پس در هر مسئله که یقین [illegible] حاصل بوده
و موافق مشهور میان علما بوده است غالباً متعرض احتیاط نشده ام و در جاییکه
تعارض اخبار یا اقوال مشهوره بوده اشاره بظن خود یا احتیاط کرده ام که هر
کس را از این رساله انتفاعی باشد و هر جا که بعنوان احتیاط مذکور شده است
و نیت آن باید که متعرض وجوب و ندب نشوند و بقصد قربت اکتفا نمایند و هر جا که
اقوی و اظهر گفته ام یا اظهار اتفاق و اجماع کرده ام بقصد وجوب کردن بهتر است

فصل اول در بیان خللی است که از روی عمد واقع شود بدانکه علما نقل اجماع کرده اند
بر آنکه هر که عمداً یکی از واجبات نماز را ترک کند خواه شرط باشد خواه جزو خواه فعل باشد

[illegible] نماز او باطل است و در وقت اعاده و در خارج وقت قضا می باید کرد
اما در بعضی از خصوصیات خلاف کرده اند چنانچه بعضی [illegible]
[illegible] دست است [illegible] گذاشتن را [illegible] میدانند و [illegible] بعضی از
[illegible] کرده اند [illegible] مبطل نماز است اگر [illegible] ضرورت
[illegible] نماز او باطل است اگر بلند خواندن آهسته خواند [illegible]
تمام کردن اینها اگر از روی نادانی باشد نماز باطل [illegible] اگر [illegible]
نیز در چند موضع خلاف کرده اند چنانچه بعضی گفته اند که اگر کسی جاهل باشد
بحرمت پوشیدن چیزی در نماز که پشت پا را بپوشاند و ساق نداشته باشد و در
چنین چیزی نماز کند نماز او صحیح است و نزد فقیر اصل حرمت آن معلوم نیست
و ثابت نشده و همچنین گفته اند که اگر کسی تازه شیعه شده باشد و بنادانی بر چیزی
که خوردنی و یا پوشیدنی است سجده کند نماز او باطل نمیشود و مشهور وجوب
اعاده است و از کلام شیخ طوسی رحمه الله در بعضی از کتب و ظاهر میشود که کسی از روی
جهل مسئله بعد از سلام الی موقع [illegible] کرده که نمازش تمام نشده است سخن گوید
نمازش باطل نمیشود و اشهر و احوط اعاده است و اگر کسی نداند که مکان یا جامه که
در آن نماز کرده است یا آبی که بآن وضو یا غسل کرده است یا خاکی که بآن تیمم کرده است
غصبی بوده است آخر ظاهر شود نماز او صحیح است و در این مسئله خلافی بنظر نرسیده است
و اگر فراموش کرده باشد غصبی بودن آنها را خلاف است بعضی گفته اند که مطلقا

اعاده میکنند و بعضی گفته اند که در وقت اعاده میکنند نه در خارج وقت
و بعضی گفته اند مطلقا اعاده نمی کند و این قول اقوی است و اگر نجاست بدن
یا جامه [illegible] معلوم نباشد بعد از نماز معلوم شود نماز صحیح است
و بعضی گفته اند که در وقت اعاده می کند و کسی که نجاست [illegible]
کرده باشد مشهور آنست که در وقت اعاده می کند و در خارج [illegible]
[illegible] گفته اند که مطلقا اعاده می کند و بعضی گفته اند
که در هیچ یک اعاده واجب نیست و مسئله در غایت اشکال است اگرچه [illegible]
که اعاده مطلقا خصوصا در خارج وقت محمول بر استحباب باشد و احوط آن
که اعاده می کند مطلقا و همچنین اگر کسی گمان نجاست کند و تفحص نکند و آخر معلوم شود
که نجاست بوده است یا شستن جامه را به دیگری گذارد و آخر معلوم شود که ازاله نشده
نجاست [illegible] نشده است احوط آنست که نماز را اعاده کند و اگر نداند که پوست
و شاید این میته است و نماز کند در آن بعد از آن معلوم شود که آن پوست میته بوده است
نماز صحیح است اگر آن پوست را از دست مسلمان گرفته باشد یا در بلاد اسلام از دست
مجهولی گرفته باشد و اگر از دست کافر گرفته باشد یا در بلاد کفر از دست مجهولی گرفته باشد
نماز باطل است و مشهور میان علما آنست که اگر در بلاد اسلام بر زمین انداخته باشد
حکم دارد و احوط عمل به این قول است هر چند از احادیث خلاف آن ظاهر می شود و ظاهر
از بلاد مسلمانان بلادی است که غالب اکثر اهل آن مسلمانان باشند نه در بلادی که حکم

مسلمانان و ... اجنبی نباشد هرچند اکثر آن کافر باشند مانند اکثر بلاد هندوستان چه
اکثر اصحاب تصریح باین کرده اند و احوط آنست که نماز ... کنند
کرا از جنبی است که نماز در آن ممکن ... اگر کرده باشد نماز ... قضا
... داشته باشد چنانچه بعضی از علما گفته اند اگرچه اظهر ... با علم
نداشته باشد که از جنبی است که در آن نماز نمی توان کرد نمازش صحیح باشد و اگر از روی فراموشی
جامه نماز کند که در آن نماز نمی توان کرد ظاهر نماز او صحیح باشد ... از روی جهل
مسئله در آن نماز کرده باشد نماز او صحیح است و اظهر آنست که هر که از ترک شرائط جاهل
که از روی جهل یا مسئله نشناختن ترک شود نماز او صحیح است مگر طهارت و قبله که اگر بی
یا غسل نماز کرده باشد نماز را در وقت و در خارج وقت اعاده و قضا می کنند اتفاقا
و در باب کسی که از روی جهل مسئله یا فراموشی بغیر قبله نماز کرده باشد خلافست
و احوط اعاده است خصوصا در وقت و وجوب اعاده در وقت خالی از قوتی نیست
سائر شرائط و ترک اگر اخلال نماید احوط آنست که در وقت اعاده کنند هرچند عدم وجوب اعاده
اقوی است و در چند موضع علما بخصوص متعرض شده اند یکی آنکه با عتبار جهل یا فراموشی در اثنا
نماز عورتش مکشوف باشد و نماز کند ابن جنید گفته است که در وقت اعاده می کند و در خارج وقت اعاده نمی کند
... رحمه الله علیه گفته است که اگر در تمام نماز عورتش باز بوده باشد نماز را اعاده می کنند
و اگر در بعضی از نماز باز بوده باشد اعاده در کار نیست و اشهر و اقوی آنست که مطلقا
اعاده در کار نیست چنانچه صحیح بر آن دلالت کرده است و دیگر ... مواضع ...

این مسئله نیست فصل دوم در احکام سهو است بدان وفقک الله تعالی که اگر

کسی نیت نماز [illegible] کند تا تکبیر احرام بگوید یعنی در اصل در خاطر او نباشد که نماز

میکنم [illegible] میکند نه آنکه بلفظ گفته باشد یا الفاظ را در دل بگذراند

و این معانی در خاطر او باشد زیرا که نیت بودن این معانی است در خاطر [illegible]

و اگر [illegible] را در حال نیت فراموش کرده باشد جمعی از علما گفته اند که [illegible]

[illegible] مبتنی بر عدم تحقیق نیت است و لیکن احوط اعاده است

و همچنین اگر ایستادن را در حالت تکبیر احرام فراموش کند مشهور میان علما

که نمازش باطل است و احوط عمل باین قول است و اگر تکبیر احرام فراموش کند نمازش

باطل است و هر وقت که بخاطرش رسید می باید که نماز را از سر گیرد و همچنین اگر دو تکبیرة الاحرام

بگوید از روی فراموشی نماز او باطل است موافق مشهور و احوط آنست که مبطلی

آورد و نماز را از سر گیرد و اگر کسی رکوع را فراموش کند تا پیشانی را بموضع سجود

نگذاشته است برمیگردد و درست است موافق مشهور و به رکوع میرود و اگر

پیشانی را گذاشته است هر چند بر چیزی باشد که سجده بر آن توان کرد نمازش باطل است

و از سر گیرد و بعضی گفته اند که اگر در دو رکعت آخر باشد هر چند هر دو سجده را هم کرده باشد

برمیخیزد و رکوع را بجا می آورد و آن سجده ها را اعاده می کند و نماز را تمام میکند [illegible]

مطلقا باین قایل شده اند خواه در دو رکعت اول و خواه در دو رکعت آخر خواه

در نماز صبح و شام خواه در چهار رکعتی و اگر کسی باین قول عمل کرده نماز را اعاده کند

احوط باشد و چنانکه مشهور است اقوی است و اگر کسی هر دو سجده را فراموش کرده باشد
تا آنکه در رکعتی که بعد از آن است به رکوع رفته باشد نمازش باطل است بنا بر مشهور
اقوی و اگر پیش از رکوع بخاطرش آید بر میگردد و سجده ها را بجای میآورد و نماز را تمام میکند
و بعد از نماز احتیاطاً دو سجده سهو میکند و چون بعضی در این صورت قائل به بطلان نماز
شده اند اگر اعاده نیز بکند شاید بهتر باشد و اگر کسی سهواً در یک رکعت دو رکوع کرده
نمازش باطل است اجماعاً مگر در یک صورت که شک کند در رکوع در حالتیکه ایستاده است
و باز به رکوع رود و هنوز سر بر نداشته باشد بخاطرش آید که پیشتر رکوع کرده بوده است
که در این صورت خلاف است اشهر و اقوی آنست که نمازش باطل است و بعضی گفته اند که از
رکوع بر میدارد و به سجده میرود و نمازش صحیح است و اگر چنین کند و نماز را تمام کند و باز
اعاده کند احوط است و اگر کسی سهواً در یک رکعت چهار سجده بجا آورد نمازش باطل است
اجماعاً و این قاعده در نماز جماعت جاری نیست نسبت به مأموم که اگر کسی از روی
فراموشی پیش از پیشنماز به رکوع یا به سجده رود بر میگردد و با پیشنماز
از روی فراموشی با یقین آنکه پیشنماز سر برداشته است سر بردارد و بعد معلوم
که پیشنماز هنوز سر بر نداشته است بر میگردد و با پیشنماز سر میدارد و یا زیاد
که در این دو صورت باعث بطلان نماز او نمی شود و اگر عمداً پیشتر برود و یا پیشتر سر
مشهور آنست که بر نمیگردد و نمازش صحیح است و اگر چنین کند و نماز را اعاده کند بهتر
در این صورت احوط است و اگر کسی یک رکعت بر نماز زیاده کند سهواً نمازش باطل است موافق
... علیه الرحمه فرموده بعد عمل بر قول مشهور احتیاط با اعاده نماز لازم است ۱۲ ح دام

اشهر و اقوی و بعضی از علما گفته اند که اگر بقدر تشهد در نماز چهار رکعتی بعد از
چهار رکعت نشسته است نمازش صحیح است و بعضی گفته اند که اگر تشهد خوانده است نمازش
صحیح است و بعضی در غیر نماز چهار رکعتی نیز چنین گفته اند و احوط اعاده است مطلقا خواه بعد از
سجده [illegible] رکعت پنجم بخاطرش آید و خواه میان سجده ها و خواه میان رکوع و سجده ها
و اگر پیش از رفتن به رکوع بخاطرش آید می نشیند و تشهد اگر نخوانده است میخواند و سلام
میگوید و احتیاطا سجده سهو میکند و نمازش صحیح است و اگر کسی یک رکعت یا زیاده را
سهوا فراموش کرده باشد و پیش از سلام بعد از تشهد یا پیش از تشهد بخاطرش آید نماز را
تمام میکند صحیح است اتفاقا بر اینکه یادش [illegible] تشهد اگر خوانده است احتیاطا دو سجده سهو
میکند و اگر بعد از سلام بخاطرش آید که یک رکعت یا زیاده را از نماز کم کرده است و هنوز
فعلی که منافی نماز است بعمل نیاورده باشد آن نماز را تمام میکند و احتیاطا دو سجده سهو برای
سلام بیموقع و اگر تشهد بیموقع خوانده باشد برای آن نیز دو سجده سهو احتیاطا میکند
و نمازش صحیح است خواه دو رکعتی باشد خواه سه رکعتی و خواه چهار رکعتی و اگر
بخاطرش آید که فعلی از وی صادر شده باشد که اگر عمدا کرده شود در نماز بسبب آن نماز باطل
میشود و اگر سهوا کرده شود نماز باطل نمی شود مانند سخن گفتن و قهقهه کردن و پشت بقبله کردن
بنابر قولی پس خلاف است میان علما و اشهر و اقوی آنست که نمازش صحیح است و آنچه را
کرده است بجا می آورد و اگر سخن گفته باشد بدو حرف یا زیاده یا بیک حرف [illegible]
دو سجده سهو میکند و بعضی گفته اند که نمازش باطل است و بعضی گفته اند که در غیر چهار [illegible]

باطل است و نماز چهار رکعتی صحیح است و احوط اعاده است خصوصا در غیر چهار رکعتی
اگرچه اظهر آنست که در کار نیست و اگر در وقتی بخاطرش آید [illegible] از آن
آن باعث بطلان صلوة میشود [illegible] حدث یا فعل کثیر [illegible] آنست [illegible] کرد
بنابر مشهور پس اشهر و اقوی آنست که نماز باطل می شود و از ابن بابویه [illegible]
نقل کرده اند که او گفته است که در این صورت نیز نماز را تمام می کند و صحیح است و اگر
چنین کند و بعد از آن اعاده کند شاید احوط باشد و اگر کسی [illegible] فراموش کند و بعد
از فعلی که عمدا مبطل نماز است بجا آورد نمازش صحیح است و اگر بعد از فعلی که عمدا و سهوا
مبطل نماز است بخاطر آورد مشهور میان علما آنست که نمازش باطل است و اظهر آنست
که باطل نمی شود و احوط عمل بمشهور است و اگر پیش از تشهد آخر و بعد از فارغ شدن
از سجده حدثی از او صادر شود اشهر و احوط بطلان صلوة است و بعضی گفته اند که
نماز او باطل نمی شود و وضو می سازد و تشهد را بجا می آورد و این قول بحسب ادله خالی از قوت
نیست و احتیاط آنست که چنین کند و اعاده نیز بکند و اگر در اثنای نماز پیش از تمام کردن سجده یا
رکعت آخر حدثی از او سهوا یا بی اختیار صادر شود مشهور آنست که نمازش باطل است و اگر وضو بسازد
و نماز را تمام کند و اعاده کند احوط است و اگر کسی داند که دو سجده در نماز ترک کرده
و نداند که این دو سجده از یک رکعت بوده است که نمازش باطل باشد یا از دو رکعت
بوده است که نمازش صحیح باشد مشهور آنست که نمازش باطل است و احوط آنست
که دو سجده یا چهار سجده سهو بجا می آورد و نماز را اعاده نیز بکند و اگر خلل کند

[illegible] بفعلی از افعال نماز که رکن نبوده باشد پس سه قسم است [illegible] اول آنکه
تمام میکند و احتیاج بتدارک ندارد دوم آنست که تدارک دارد و احتیاج به سجده سهو نیست
سوم آنست که هم تدارک دارد و هم سجده سهو اما قسم اول پس اگر کسی قراءت یا حمد تنها
یا سوره تنها یا بلند خواندن و آهسته خواندن قراءت را از روی فراموشی ترک کند و بعد
از رکوع کردن بخاطرش آید نمازش صحیح است و تدارکی برای او لازم نیست اگر [illegible]
رکعت اول فراموش کرده باشد در هر دو رکعت [illegible] تعیین نیست بر حمد خواندن [illegible]
[illegible] نمازش صحیح است و مستحب است تدارک [illegible] ذکر رکوع و یا درنگ کردن بقدر ذکر
فراموش کند و بعد از سر برداشتن از رکوع بیادش آید یا سر برداشتن از رکوع را
فراموش کند یا قرار گرفتن بعد از سر برداشتن را و بعد از رفتن به سجده بخاطرش آید
یا ذکر سجده اول یا قرار گرفتن بقدر ذکر یا بعض اعضای غیر پیشانی را بر زمین گذاشتن
فراموش کند و بعد از سر برداشتن بخاطرش آید یا نشستن بعد از سر برداشتن از سجده
اول را یا درنگ [illegible] در آن فراموش کند [illegible] که سجده دیگر را
یا قرار گرفتن در آن یا سجده کردن بر [illegible] را فراموش کند و بیادش نیاید
تا سر از سجده بردارد و که در همه اینها نمازش صحیح است و اگر در همه سجده سهو احتیاطا
بکند برای خروج از خلاف بهتر باشد قسم دوم پس اگر کسی قراءت را
بالخصوص حمد یا سوره را یا بعضی از حمد و سوره را اگرچه یک آیه باشد یا کمتر فراموش کند
و پیش از رکوع بخاطرش آید برمیگردد و آنچه ترک کرده است بعمل می آورد و مابعد آن را

هرچند شروع بقنوت کرده باشند و هرچند شروع برفتن برکوع کرده باشد چون
بحد رکوع رسیده باشد و اما بلند چون قرائت [illegible] و اگر ترک شود و محل
خلاف است که آیا پیش از رکوع تدارک میکند [illegible] ظهر است که تدارک کنند و نماز
صحیح است و اگر ذکر رکوع را فراموش کند و پیش از آنکه از حد رکوع بدر رود بیادش
آید یا سر برداشتن از رکوع را یا درنگ کردن را بعد از سر برداشتن فراموش کند
و پیش از سجود بیادش آید بر میگردد و بعمل می آورد و اگر فراموش کردن درنگ بر
در راست ایستاده و اندکی توقف میکند و بسجده میرود و اگر ذکر سجود اول را یا سجود
بر [illegible] عضو غیر پیشانی را یا درنگ در سجود بقدر ذکر را فراموش کند و پیش از سر برداشتن
از سجود اول بیاد آرد تدارک میکند و همچنین اگر درست نشستن بعد از سجود اول را
یا درنگ کردن در نشستن را فراموش کند و پیش از آنکه سر بسجده دوم گذارد بیادش آید
تدارک میکند و همچنین اگر ذکر در سجده دوم یا درنگ در او یا گذاشتن یکی از اعضای سجود
غیر پیشانی را بر زمین فراموش کند و پیش از سر برداشتن بیادش آید تدارک کرده است
بعمل می آورد و اگر یک سجده یا تشهد را فراموش کند و پیش از رکوع بخاطرش آید
بر میگردد و آن سجده یا تشهد را بجا می آورد و بر میخیزد و قرائت را از سر میگیرد
اگرچه قرائت کرده باشد و نمازش صحیح است و اگر بعد از ایستادن بیادش
آمده باشد بعد از نماز احتیاطاً دو سجده سهو میکند و در صورتیکه سجده را فراموش
کرده باشد اگر بعد از سر برداشتن از سجده اول نشسته باشد و طمأنینه و آرام گرفتن را

بقصد و آن چیزی که [illegible] آورده باشد و بعد از آن از سجده مشغول شده باشد و [illegible]
قصد استادن بجا نیاورده باشد [illegible] باشد بلکه سجده کند نشستن و تکرار گرفتن العمل [illegible]
[illegible] اگر فاصل نشستن [illegible] در بعضی آن دو سجده اول می‌رود [illegible]
در یک [illegible] و بعد از آن تسبیح می‌گیرد و اگر نشسته در یک کرده است اما نقصد وجوب بلکه
بقصد جلسهٔ استراحت که بعد از سجدهٔ دوم است در این صورت میان علما خلاف است
و خالی از اشکال نیست و دور نیست که اگر واقع سازد بقصد احتیاط نباشد و شاید
اگر اعاده نیز بکند احوط باشد و بعد از استادن پیش از رکوع جزم کند که یک سجده
از او فوت شده است و سجدهٔ دیگر شک کند از برای سجده که جزم دارد که نکرده است باید
و بجا می‌آورد و دو سجده که شک دارد اشکال است و اظهر این است که نباید کرد و اگر
در این صورت نماز را اعاده کند شاید احوط باشد اما قسم سوم پس اگر یک سجده را
با تشهد فراموش کند و بعد از رکوع بخاطر آورد مشهور میان علما این است که این سجده
تشهد را بجا می‌آورد [illegible] از برای هر یک دو سجدهٔ سهو می‌کند و ظاهر احادیث این است
که در فراموش کردن سجده بهمان سجدهٔ فراموش کرده اکتفا می‌کند و دو سجدهٔ سهو کار است
و در فراموش کردن تشهد دو سجدهٔ سهو می‌کند و همان تشهد که در سجدهٔ سهو می‌خواند کافی است
و احتیاج به تشهد دیگر برای قضا نیست و احوط عمل بمشهور است موافق مشهور سجده
و تشهد فراموش شده را پیش از دو سجدهٔ سهو می‌کند و ظاهر اگر قصد ادا و قضا نکند
و به نیت نکند در خاطر بگذراند که بجا می‌آورم سجده را که در نماز ظهر مثلا فراموش

کرده ام از جهت آنکه واجب است قربة الی الله و در تشهد نیز چنین است
... اللهم ... و آله ... این احکام که گفته شد تمام ... برای اجزای نماز ... تشهد
... یا سجده ها ... حرفی پیش ... فراموش کرده باشد و پیش از سلام
بخاطرش آید آنها را بعمل می آورد و تشهد را از سر گیرد و نمازش صحیح است و
اگر شروع به تشهد کرده باشد و بر گردد و سجده سهو بنماید برعایت بعضی از علما
احوط باشد و اگر بعد از سلام بخاطرش آید اگر دو سجده باشد نمازش باطل است
موافق مشهور و اگر یک سجده باشد بجا آورد و نمازش صحیح است و اگر تشهد را
فراموش کرده باشد و پیش از سلام بخاطرش آید باین نحو که تشهد و سلام
هر دو را فراموش کند بعد از سجده و پیش از آنکه مبطلی بعمل آورد بخاطرش آید
هر دو را بعمل می آورد و نمازش صحیح است و اگر بعد از سلام بخاطرش آید تشهد را
می آورد و نمازش صحیح است و بعضی در اینجا نیز بوجوب سجده سهو قائل
شده اند و احوط است اگر چه دلیلی ندارد و اگر ... بعد از ... تشهد
فراموش کرده حدثی از و صادر شود مشهور آنست که نمازش صحیح است
و وضو می سازد و رو بقبله می نشیند و تشهد را بجا می آورد و اگر در این صورت
اعاده نیز بکند برای رعایت بعضی از اقوال بد نیست و اگر صلوات بر محمد
و آل او را در تشهد فراموش کند و بعد از نماز بخاطرش آید احوط آنست که بجا آورد
و بدانکه مشهور میان علما آنست که فعلی که فوت شده است که باعث سجده سهو شده است

اول از ابتدا بجا میکرد و بعد از آن سجده سهو را واگرچند فعل باشند اول فعلها را
[illegible] بترتیب [illegible] بعد از آن [illegible] فعلها سجده های سهو را نیز
بترتیب فعل آورد و سجده [illegible] آنهاست اگرچه [illegible] است و بدانکه بعضی از علما
قایل شده اند که اگر در دو رکعت اول یک سجده را فراموش کند و بعد از [illegible] وجه
[illegible] نیاید نمازش باطل است قول مشهور که فرقی میان دو رکعت اول و آخر نیست و اقوی آن
واگر در بعضی صورت بعد از تمام کردن نماز و بجا آوردن سجود و دو سجده سهو اعاده
نماز نیز بکند احوط است **فصل سوم در احکام شک است** بدانکه شک یا در عدد
رکعتهای نماز است یا در افعال نماز اگر در عدد رکعتهای نماز باشد اگر شک در نماز
دو رکعتی باشد مانند نماز صبح و جمعه یا در نماز سه رکعتی باشد مانند نماز شام
یا در دو رکعت اول از نماز چهار رکعتی باشد مشهور و اقوی آنست که نمازش باطل است
و از سر میگیرد و همچنین اگر شک در عدد [illegible] نداند که یک رکعت کرده است یا دو
یا سه یا چهار رکعت را نیز نداند که تا [illegible] نمازش باطل است و نماز آفتاب
و ماه گرفتن و زلزله و آیات نیز حکم نماز دو رکعتی دارد و اگر شک در عدد رکعتها باشد
واگر در عدد رکوعها شک کند بنا بر کمتر میگذارد و تمام میکند بنا بر مشهور و اقوی
واگر در نماز چهار رکعتی یقین بتحقیق دو رکعت داشته باشد و در زیادتی شک کند
صور مشهوره آن که ضرور است دانستن آن پنج است و چهار صورت از فرضهای
نادر با آنها ضم نموده نه صورت را بیان میکنیم که شاید در ضمن آنها حکم همه صور

محتمل معلوم شود اول آنکه شک کند میان دو و سه پس اگر پیش از رفتن بسجده
دوم باشد نمازش باطل است و اگر بعد از سر برداشتن [illegible] باشد
واقع شده است که بنا بر سه میگذارد و یک رکعت دیگر بجا می آورد و سلام میگوید
و دو رکعت نماز نشسته میکند که اگر سه باشد چهار شود و اکثر گفته اند که یک
رکعت ایستاده بعوض دو رکعت نشسته کافی است و احوط آنست که دو رکعت
نشسته بکند و اگر شک بعد از رفتن بسجود و پیش از سر برداشتن باشد خواه ذکر
گفته باشد و خواه نگفته باشد احوط آنست که بهمان نحو تمام کند و نماز احتیاط بکند
[illegible] بکند دوم آنست که شک کند میان سه و چهار خواه پیش از رکوع
باشد و خواه بعد از رکوع و پیش از سجده ها و خواه بعد از سجده ها بنا بر چهار میگذارد
و نماز را تمام میکند و دو رکعت نشسته میکند یا یک رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته
احوط است سوم آنست که شک کند میان دو و چهار اگر پیش از رفتن بسجده دوم
نمازش باطل است و اگر بعد از سر برداشتن از سجده دوم [illegible] اظهر آنست
که نمازش صحیح است و بنا بر چهار میگذارد و نماز را تمام میکند و دو رکعت نماز
ایستاده میکند که اگر دو باشد چهار شود و اگر پیش از سر برداشتن از سجده دوم
شک کند احوط آنست که چنین کند و نماز را اعاده نیز بکند چهارم آنست که شک
کند میان دو و سه و چهار پس اگر پیش از رفتن بسجده دوم است نمازش باطل است
و اگر بعد از سر برداشتن از سجده دوم است بنا بر چهار می گذارد و تشهد میخواند [illegible]

و سلام [illegible] دو رکعت نماز ایستاده می کند و سلام می گوید و دو رکعت نماز نشسته

می کند و اگر بعد از [illegible] رکعت [illegible] شک را کند باز بنا بر چهار می گذارد

و این [illegible] بر چهارم [illegible] می نشیند [illegible] یک رکعت [illegible] میخواند و سلام می

و باز دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته می کند احتیاطاً [illegible] بلکه

و اگر بعد از رفتن بسجده دوم و پیش از سر برداشتن باشد احوط آنست که چنین کند

[illegible] سجده سهو و اعاده نیز بکند پنجم آنست که شک کند میان چهار و پنج پس آن

صورت دارد اول آنکه وقتیکه ایستاده است خواه شروع بقرائت کرده باشد

وخواه نکرده باشد شک کند که این رکعت که در آن ایستاده است چهارم است

یا پنجم پس می نشیند و اگر تشهد نخوانده است میخواند و سلام می گوید و دو رکعت نماز

نشسته [illegible] احتیاطاً و سجده سهو نیز می کند دوم آنکه بعد از تمام کردن

سجده ها شک کند که این رکعت که تمام کرده ام چهارم بود یا پنجم نمازش صحیح است

و تشهد [illegible] سلام می گوید و دو سجده سهو بجا می آورد وجوباً سوم

آنکه بعد از رفتن برکوع و پیش از تمام کردن سجده ها شک کند در این صورت

خلاف است بعضی قائل شده اند که نمازش باطل است و ظاهر اگر تمام کند این

رکعت را و دو سجده سهو بکند کافی باشد و اگر با این اعاده نیز بکند احوط است ششم

آنست که شک کند میان چهار و زیاده از پنج مثل چهار و شش یا چهار و هفت

در این صورت مشهور میان علما آنست که نمازش باطل است و بعضی این را

باشد شک میان چهار و پنج میداند در احکامی که گذشت اگر عمل بآنها بکند و نماز را
اعاده کند احوط است و همچنین اگر شک میان چهار و پنج [illegible] باشد
که چنین کند که تمام نماز کند با سجده سهو و اعاده نیز بکند هشتم آنست که بشک میان
چهار و پنج شکهای دیگر ضم شود مثل آنکه شک کند میان سه و چهار و پنج پس اگر پیش از رکوع باشد
برمیگردد بشک میان دو و سه و چهار چنانچه سابقا مذکور شد و اگر بعد از رکوع باشد
اگر تمام کند و دو رکعت نماز احتیاط نشسته و دو سجده سهو بکند ظاهرا مجزی باشد
و اگر اعاده نیز بکند احوط است و همچنین اگر شک کند میان دو و سه و چهار و پنج اگر
پیش از تمام کردن سجده هاست نمازش باطل است و اگر بعد از تمام سجده ها باشد
دو رکعت نماز ایستاده و دو رکعت نماز نشسته و دو سجده سهو بکند و احتیاطا اعاده نیز بکند
و اگر شک میان دو و چهار و پنج بوده باشد اگر پیش از تمام کردن سجده هاست نمازش باطل است
و بعد از تمام کردن سجده باشد بنا بر چهار بگذارد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بکند
و دو سجده سهو بکند و احتیاطا اعاده نیز بکند [illegible] احتمال چهار در شکها
داخل نباشد مثل آنکه شک کند میان سه و پنج یا دو و پنج یا دو و سه و پنج یا سه و شش یا دو و شش
و همچنین احتمالات دیگر بسیار زیاده و کم باشد و احتمال چهار در آنها داخل نباشد پس مشهور میان علما
که نماز باطل است و شهید رحمه الله احتمال داده است که بنا بر کمتر گذارد و نماز را تمام کند اگر
چنین کند و دو سجده سهو بکند و نماز را نیز اعاده کند شاید احوط باشد نهم آنست که شک میان
احتمالات زیاده باشد و احتمال تمام و ناقص نباشد مثل آنکه شک کند میان

ششم پس اگر پیش از رکوع است برمیگردد و بشک میان چهار و پنج پس
بنشیند و تشهد بخواند و سلام بگوید و دو سجده سهو میکند و اگر بعد از رکوع باشد
اگر در رکعت چهارم بقدر تشهد نشسته نمازش باطل است و اگر نشسته است
احوط آنست که تشهد و سلام بگوید و اعاده نیز بکند نماز را چنانچه گذشت و اگر شک
میان پنج و هفت یا پنج و هشت یا زیاده بوده باشد اگر پیش از رکوع
باشد مشهور آنست که باطل است و احوط آنست که بنشیند و تشهد بخواند
و سلام بگوید و دو سجده سهو بکند و نماز را نیز اعاده بکند و اگر بعد از رکوع
باشد اگر در رکعت چهارم بقدر تشهد نشسته است احوط آنست که سلام بگوید
و اعاده نماز نیز بکند و اگر نشسته است نمازش باطل است و احکام صورتها
از آنچه گفتیم ظاهر میشود و بعد از تامل اما شک در افعال نماز پس اگر بعد
شک کند که از محل فعلی که در آن شک کرده است گذشته باشد و داخل فعل دیگر
شده باشد در آن شک اعتنا نمیکند اگر محل آن فعل بوده باشد باید آن را بجا
می آورد و نمازش صحیح است خواه شک در دو رکعت اول باشد و خواه
در دو رکعت آخر و خواه رکن باشد و خواه واجب دیگر و چون بعضی از علما
قائل شده اند که هر شکی که در دو رکعت اول واقع شود نماز با آن باطل میشود
احوط در این صورت آنست که عمل کند بمقتضای شک و اعاده نیز بکند خصوصا
در صورتیکه شک تعلق برکن در رکعت اول گرفته باشد پس اگر کسی شک کند در

بعد از آنکه تکبیر احرام گفته باشد اعتبار ندارد و همچنین اگر شک کند در تکبیر احرام بعد
از آنکه شروع بقرائت حمد کرده باشد اعتبار ندارد و اگر شک کند در قرائت حمد بعد
از آنکه شروع بسوره کرده باشد محل خلاف است و اظهر آنست که ملتفت نمی‌شود و احوط
که در این صورت اعاده نماز نیز بکند و اگر شک کند در قرائت بعد از شروع
در قنوت محل خلاف است و اقوی آنست که ملتفت نمی‌شود و همچنین اگر شک کند در
قرائت و بعد از آنکه شروع در خم شدن کرده باشد و هنوز بحد رکوع نرسیده باشد
اظهر آنست که اعتبار ندارد و احوط آنست که تمام کند و نماز را اعاده کند و اگر
بحد رکوع رسیده باشد البته ملتفت نمی‌شود و اگر شک کند که آیا رکوع کرده‌ام
در وقتی که ایستاده است رکوع را بجا می‌آورد و اگر بعد از رفتن بسجده شک کند
ملتفت نمی‌شود و اگر فرو رفته باشد و هنوز سر بسجده نگذاشته باشد و شروع
شک کند محل خلاف است و احوط آنست که التفات نکرده تمام کند و احتیاطا
اعاده نیز بکند و اگر در حال نشستن شک کند که آیا سجده کرده‌ام یا در اول
نکرده‌ام دو سجده میکند و اگر شک کند که یک سجده کرده‌ام یا دو سجده یک سجده
دیگر میکند و اگر بسجده دوم فرو رفته باشد و هنوز سر بسجده نگذاشته شک کند که آیا
درست سر از سجده اول برداشته بوده است یا در تک بعد از سر برداشتن را بعمل آورده
بوده است محل خلاف است و اظهر آنست که ملتفت نمی‌شود و اگر بعد از سر گذاشتن
بسجده شک البته اعتبار ندارد و اگر شک کند در سجده بعد از شروع

در برخاستن بعضی هنوز راست نه ایستاده باشد خلاف است اظهر آنست که بر میگردد
مشکوک فیه را بعمل می آورد و اگر بعد از راست ایستادن شک کند در سجده
ملتفت نمی شود و اگر کسی بعد از سر برداشتن از رکوع یا سجده شک کند در ذکر
یا در نک کردن بقدر ران یا وجهی چند که در حقیقت آنها داخل نیست اعتبار ندارد
و اگر شک کند بعد از سر برداشتن از سجود که آیا حقیقت سجود بفعل آمده است
یا اینکه در پیشانی گذاشتن که حقیقت سجود بآن حاصل می شود خللی بوده است خواه
این شک بعد از دو سجده بهم رسد یا در میان دو سجده و خواه نسبت بیک سجده باشد
و خواه دو سجده محل اشکال است و اظهر آنست که تدارک می کند و اگر اعاده نماز
نیز بکند شاید احوط باشد و اگر شک کند در سجده بعد از شروع در خواندن تشهد
اشهر و اظهر آنست که اعتبار ندارد و اگر شک کند در تشهد بعد از راست ایستادن
ملتفت نمی شود و اگر در اثنای برخاستن شک کند محل خلاف است و اظهر عدم
التفات است و شاید اعاده احوط باشد و اگر فعلی را باعتبار شک بعمل بیاورد
و بعد از آن ظاهر شود که آن فعل را پیشتر کرده بوده است اگر آن فعل رکن باشد
مانند تکبیر احرام و رکوع و دو سجده نمازش باطل است و اعاده می کند و اگر غیر رکن باشد
ضرر ندارد و اگر بعد از گذشتن از محل شک کند و برگردد و آن فعلی را که در آن شک
کرده است بجا آورد مشهور آنست که نمازش باطل است و اعاده می باید کرد و هر شکی
که بعد از فارغ شدن از نماز عارض شود خواه در رکعات و خواه در افعال

اعتبار ندارد واگر شک کند که آیا از برای نماز ظهر مثلا نیت ظهر کرده یا نیت عصر
جمعی گفته اند که اعاده می کند واظهر آنست که شکش اعتبار ندارد خواه در اثنای
نماز باشد وخواه بعد از نماز فصل چهارم در بیان متفرقات احکام شک
وسهو است ودر آن چند بحث است اول آنکه نماز احتیاط حکم نماز اصل
دارد در شرائط که با طهارت باشد ورو بقبله وعورتش پوشیده باشد
وسایر احکام وباید که نیت بکند احوط آنست که بزبان نیت نکند ودر دل
قصد کند که دو رکعت یا یک رکعت نماز احتیاط می کنم برای فریضه ظهر مثلا
برای آنکه واجب است از جهت رضای خدا وتکبیر احرام بگوید وحمد تنها بخواند
وسوره نخواند وبدل سوره حمد تسبیح نخواند وقول بجواز تسبیح ضعیفست وظاهر
قنوت ندارد وتشهد وسلام بجا آورد واحوط آنست که نماز احتیاط را بعد از نماز اصل
بجا آورد ودر میان آن ونماز اصل چیزی صادر نشود که اگر در نماز صادر شود
بطلان نماز باشد مانند حدث وگشتن از قبله وحرف زدن عمدا واگر سهوا سخن گوید
احوط آنست که دو سجده سهو بجا آورد وهمچنین احوط آنست که منافی میان نماز
واجزائیکه فراموش شده وبعد از نماز بعمل می آورد مانند سجود وتشهد بجا نیاورد
واگر حدثی در میان نماز اصل ونماز احتیاط یا اجزای فراموش شده واقع شود
وضو بسازد وآنها را بجا آورد واحتیاطا اعاده نیز بکند وهمچنین در هر مسئله
که بعمل آید احتیاطا این است چون جمعی ببطلان نماز قائل شده اند اگرچه اظهر عدم

بطلان است دوم آنکه شک وقتی اعتبار دارد که هر دو طرف آن مساوی باشد
و اگر ظن بیک طرف غالب باشد بآن عمل میکند خواه در دو رکعت اول بوده باشد
و خواه در رکعت آخر و خواه در عدد رکعات باشد و خواه در افعال بنا بر مشهور
و بعضی گفته اند که در دو رکعت اول علم می باید و ظن کافی نیست و اگر در دو رکعت
اول عمل بظن کند و اعاده نیز بکند احوط است پس اگر شک در میان دو و سه باشد
و ظنش بر دو غالب باشد دو رکعت دیگر میکند و اگر بر سه غالب باشد یک رکعت
دیگر میکند و نماز احتیاط لازم نیست و اگر میان سه و چهار بوده باشد و ظنش بر سه غالب باشد
یک رکعت دیگر میکند و اگر بر چهار غالب باشد سلام میگوید و چیزی بر او نیست
و اگر در این صورت سجده سهو بکند احتیاطا موافق مذهب ابن بابویه علیه الرحمه بد نیست
و اگر میان چهار و پنج بوده باشد و ظنش بر چهار غالب بوده باشد سلام میگوید و اگر
بر پنج غالب باشد نمازش باطل است مگر آنکه بعد از رکعت چهارم بقدر تشهد
نشسته باشد که احوط سلام گفتن و اعاده است چنانچه پیشتر دانستی سوم
آنکه مشهور آنست که اگر شک کند بعد از تامل ظنش بیک طرف غالب شود عمل بظن میکند
چنانچه دانستی چهارم آنکه هرگاه کسی شک بسیار کند حکم شک از او ساقط است
باین معنی که اگر شک در فعلی کند هر چند وقت آن فعل باقی باشد تدارک نمیکند اگر چه
رکن باشد و اگر شک در عدد رکعتها باشد بنا بر اکثر میگذارد مگر آنکه اکثر مبطل باشد
که بنا بر اقل میگذارد و مثل آنکه در نماز صبح شک کند میان دو و سه بنا بر دو که صحیح است

صحت باشد و بنا بر اکثر موجب بطلان باشد در این صورت بنا بر اقل بگذارد ۱۲ ح دام ظله

میگذارد و اگر در جای سجده بسبب شک واجب شده باشد بی اوست و اگر عمداً به

این حال عمل به احکام شک کند موافق مشهور یا شروع کرده است و اگر در میان

نماز تدارک فعلی کند که باعتبار کثرت شک باطل مشهور آنست که نمازش باطل است

و اما حدیکه چون شک او بآن حد رسد او را کثیر الشک گویند مشهورتر آنست خلاف است

و اکثر حواله بعرف کرده‌اند یعنی آنقدر شک کند که در عرف گویند که او شک

بسیار میکند و این قول اقوی است و بعضی گفته‌اند که در سه نماز پی در پی شک کند

یا در یک نماز سه شک بکند و از بعضی احادیث ظاهر میشود که اگر در میان ... باشد

که در هر سه نماز یک شک کند او کثیر الشک است چون سه نماز بی شک بکند از آن حکم بیرون

می‌آید و این مسئله خلاف است که شکی که بسبب آن باعث حکم کثرت شک میشود آیا می‌باید

شخص باکی حکمی آن مرتب میشود از نماز احتیاط یا از تدارک در محل یا سجود و یا غیر از اینها است

بنابر قول اخیر اگر شک بسیار کند که هر یک طرف ظنش غالب باشد یا بعد از تجاوز از

محل شک کند یا در نافله شک کند با کثیر الشک خواهد شد و این مسئله بی اشکال است

و احوط آنست که چنین کسی اگر شکش موجب نماز احتیاط یا سجود سهو باشد بجا آورد و اگر موجب

تلافی در محل باشد بکند و احتیاطاً نماز را اعاده بکند و اگر کثیر الشک در فعلی شک کند

و بجا نیاورد و بعد از گذشتن از محل آن فعل بخاطرش آید که آنرا نکرده است اگر رکن با

احوط آنست که نمازش را تمام کند و اعاده نیز بکند و اگر غیر رکن باشد نمازش صحیح است

و اگر سجود یا تشهد باشد بعد از نماز قضا آورد با سجده سهو احتیاطاً و اگر گذشته باشد مطلق

بعمل بنا و گذارد بعد اگر سهو مبطل باشد مثل آنکه رکعتی بجا آورد و اگر مبطل
نبوده باشد نماز را اعاده کند اینها حکم کثیر الشک بود و اگر کسی سهو بسیار کند اعمال
فراموش کند بعضی گفته اند که او حکم کثیر الشک ندارد و سهو و شکی که بکند احکامش را عمل
آورد و این اقوی است و بعضی گفته اند که او نیز حکم کثیر الشک دارد و بسیار سهو با آن شود
که شک او نیز اعتبار نداشته باشد و لیکن همه اتفاق دارند که اگر فعلی که فراموش کرده
رکن باشد نمازش باطل است اگر وقتش یعنی محل گذشته باشد و اگر وقت باقی باشد آن را بجا
آورد خواه رکن باشد و خواه غیر رکن اگر فعلی را فراموش کرده است که تدارک باید کرد مانند
یک سجده و تشهد بعد از نماز بجا می آورد و لیکن میگویند که سجده سهو از او ساقط میشود و ظاهر
و احوط آنست که سجده سهو را نیز بجا آورد پنجم آنکه کسی نماز احتیاط یا افعال فراموش شده
که تدارک باید کرد یا سجده سهو را فراموش کند هر وقت که بخاطرش آید بجا می آورد و بنا بر
قضا ظاهر در کار نیست و اگر در فعلی شک کند در وقتش باقی باشد و فراموش کند تدارک
آن را در وقتش بکند و اگر رکن باشد احوط آنست که بعد از اتمام نماز را اعاده کند و اگر فعلی باشد
که بعد از نماز تدارک باید کرد احوط آنست که تدارک کند و اگر سجده سهو داشته باشد بکند و اگر
شک کند در فعلی که وقتش باقی باشد و باید که آن فعل را بکند و باز شک کند که آیا آن را
کرده ام یا نه کرده ام ظاهر آنست که اگر وقت باقی است باید که بکند و اگر اعاده نماز نیز
بکند بهتر است که لغو نباشد ششم آنکه در نماز احتیاط یا سجده های سهو یا افعال فراموش
شده بعد از نماز شک کند که آیا اینها را کرده ام یا نه ظاهر آنست که واجب است که بجا آورده و اگر

در رکعات نماز احتیاط یا در افعال آن یا در سجده و سجده‌های سهو یا در افعال اینها یا در
افعال اجزای فراموش شده که تدارک میکند شک کند بشک او اعتنا نیست که التفات بشک
نمیکند و بنا بر طرف صحیح میگذارد مثل آنکه شک کند در رکعت نماز احتیاط که
یکی کرده‌ام یا دو بنا بر دو میگذارد و اگر شک کند میان دو و سه بنا بر دو میگذارد
که صحیح است و اگر در رکوع یا سجود شک کند و وقتش باقی باشد تدارک نمیکند و اگر در
سجده‌های سهو میان یک و دو شک کند بنا بر دو میگذارد و اگر آنچه محلش باقی باشد
بجا آورد و اعاده نیز بکند احوط است و اگر یقین داند که شکی در نماز کرده بود که موجب
نماز احتیاط بود و شک کند که آیا شک میان سه و چهار بود یا دو و چهار گفته‌اند که
هم دو رکعت ایستاده میکند و هم دو رکعت نشسته و از حدیث معتبری مستفاد میشود
که اگر کسی شکی کند در نماز که موجب اعاده باشد و در اعاده نیز شکی بکند آن شک اعتبار ندارد
و اکثر علما قائل نشده‌اند باین و اگر چنین نماز را تمام کند و اعاده نیز بکند احوط است
هفتم آنکه اگر یقین داند که سهوی در نماز کرده و نداند که سهو او موجب سجده واحد بود یا
تشهد احوط آنست که هر دو را بجا آورد و دو سجده سهو بکند و اگر نداند که رکوع بود
یا یک سجده احوط آنست که یک سجده را با سجده سهو بکند و اعاده نیز بکند هشتم آنکه
اگر فعلی از افعال نماز احتیاط یا سجده‌های سهو یا فعل فراموش کرده را فراموش کند
و در وقتی بخاطرش آید که وقت آن فعل باقی باشد تدارک میکند و اگر بعد از گذشتن وقت
بخاطرش آید احوط در نماز احتیاط آنست که احکام نماز اصل را در آن رعایت کنند

از تدارک یا فائت دو سجده سهو و در سجده فراموش شده اگر بعد از سر برداشتن
بخاطرش آید که فعلی از افعال واجب آن سجود را ترک کرده است تدارک و رکا...
... در تشهد بخاطرش آید که چیزی را بجا نیاورده است بجا آورد و دو سجده‌ها
سهو اگر بخاطرش آید که یک و سجده را ترک کرده است باز دیگر بکند و اگر بخاطرش آید
که یک سجده را ترک کرده است اگر پیش از شروع در تشهد بخاطرش آید آن را بجا آورد
و اگر بعد از شروع در تشهد باشد احوط آنست که آن را بجا آورد و باز دیگر سجده را
اعاده نیز بکند و اگر واجبی از واجبات سجده را فراموش کرده باشد اگر پیش از سر برداشتن
بخاطرش آید احوط آنست که سجده را تمام کند و اعاده نیز بکند و سجده سهو در
... که در سجده سهو واقع شود لازم نمی‌شود و هم شک ماموم یا امام با یقین دیگری اعتبار
ندارد و عمل بیقین او میکند مثل آنکه امام شک کند میان سه و چهار و ماموم جزم
داشته باشد به سه باید که امام بقول او عمل کند و هست باید که امام را مطلع کرده
بانکه سه مرتبه سبحان الله یا الله اکبر بگوید تا امام بداند که او جزم به سه دارد و بر
امام واجبست که بقول او عمل کند هر چند ماموم یکی باشد و فاسق باشد هر چند از گفته او
امام را ظن حاصل نشود و همچنین اگر ماموم شک کند میان یک و دو مثلا و امام یقین داند
... واجبست تابع امام میشود و بشک خود اعتنا نمیکند و همچنین اگر یکی از ایشان شک داشته
باشد و دیگری ظن مشهور و اقوی آنست که صاحب شک رجوع بصاحب ظن میکند و اگر یکی
از امام یا ماموم یقین داشته باشد و دیگری ظن مشهور آنست که صاحب ظن رجوع بصاحب

یقین میکند و در صورت بعضی از متاخرین میل کرده اند باینکه از همه [illegible]
ظن فعلی خود و [illegible] حسب [illegible] عمل میکند و اگر هر دو تغییر [illegible] یقین
[illegible] میکنند مثل آنکه امام یقین دارد که چهار رکعت کرده است و مأموم یقین [illegible]
که سه رکعت کرده است از یکدیگر جدا میشوند و امام تشهد [illegible]
قصد انفراد میکند و [illegible] یک رکعت دیگر میکند و همچنین اگر هر یک ظن بر خلاف
مظنون دیگری داشته باشد همچنین میکنند و هر یک بظن خود عمل میکنند و اگر هر دو شک داشته
باشند خالی از این نیست که شک ایشان موافق است یا مخالف یکدیگر اند در شک و
صورت دوم یا ایشان شریک در میان سهوهای ایشان [illegible] و باز خالی از این نیست
که امام و مأموم متفق اند در شک یا مختلف اما اول که متفق باشند اگر شک ایشان مبطل است
مثل شک میان یک و دو نماز را از سر میگیرند بجماعت یا منفرد و اگر مبطل نباشد
عمل بحکم آن شک میکنند مثل آنکه همه شک کردند میان سه و چهار بنابر چهار میگذارند
و نماز را تمام میکنند و دو رکعت نماز احتیاط میکنند و دور نیست که اگر نماز
احتیاط را تنها بکنند و بجماعت نکنند احوط باشد دوم آنکه مختلف باشند در شک
داشته باشند پس هر دو رجوع بآن [illegible] مشترک می کنند و نماز را تمام میکنند مثل آنکه امام شک
میان دو و [illegible] داشته باشد و مأموم میان سه و چهار پس مشهور و اقوی آنست که چون
هر دو در احتمال سه شریک اند بنابر سه میگذارند و نماز را تمام می کنند بدون نماز
احتیاط و اگر امام شک میان سه و چهار داشته باشد و مأموم میان دو و سه و چهار پس هر

شده است که شک میان سه و چهار است بنا بر چهار میگذارد و بعد از سلام دو رکعت نماز
نشسته میکند و اگر در این دو صورت اعاده نیز بکند شاید احوط باشد سوم آنکه امام و ماموم
با یکدیگر اختلاف داشته باشند اگر از یکدیگر مستحضر در میان ایشان جمع میان می کنند مثل آنکه
امام شک کند میان سه و چهار و بعضی از ماموین شک کنند میان دو و چهار و بعضی میان چهار
و پنج پس بنا بر چهار میگذارند و اگر هر شکی که هست جدا میشوند و هر یک عمل بشک خود میکنند
و اگر در این دو صورت اعاده نیز بکنند احوط است و بدانکه در جمیع این احکام فرقی نیست میان
آنکه شک ایشان در رکعتهای نماز بوده باشد یا در افعال و میان آنکه شک یکی مبطل نماز بود
باشد یا نه مشهور میان علما آنست که اگر امام کاری بکند که موجب سجده سهو باشد
و ماموم آن کار را نکند سجده بر امام واجبست و بر ماموم واجب نیست و بعضی از علما قایل
شده اند که بر ماموم نیز واجبست و عمل باین قول احوط اگر چه اول اقوی است و اگر
بر عکس باشد که ماموم کاری بکند که سبب سجده سهو باشد و امام نکند در این شکی نیست
که بر امام چیزی واجب نیست و اشهر آنست که ماموم عمل بسهو خود میکند و سجده سهو بعمل می آورد
و جمعی از علما گفته اند که بر ماموم نیز لازم نیست و اول اظهر و دوم احوط است و اگر
هر دو سهو کرده باشند شکی نیست که هر دو عمل بمقتضای سهو میکنند یازدهم
اگر کسی شک کند در نماز خواه در رکعات و خواه در افعال اگر دیگری که امام و ماموم
نباشد او را خبر دهد باحد طرفین شک او مثل آنکه شک کند میان سه و چهار و دیگری
که نماز نکند با او بگوید که سه رکعت کرده اگر او را ظنی از گفته او حاصل میشود بنا بر آن میگذارد

اگرچه فاسق یا طفل باشد و اگر ظن حاصل نشود عمل بحکم شک نمایند اگرچه غیر عادل
عادل باشد علی الاقوی دوازدهم اگر در نافله شک کند در عدد رکعات مخیر است
میان آنکه بنا بر کمتر گذارد و یا بنا بر بیشتر [illegible] بنا بر کمتر گذارد
و اگر در نافله امری واقع شود که اگر در فریضه واقع شود موجب سجده سهو باشد سجده سهو
لازم نمی شود و جمعی از متاخرین گفته اند که فرقی که میان نافله و فریضه هست در همین
دو چیز است ولیکن از احادیث معتبره و از کلام قدمای علما فرقهای دیگر ظاهر
می شود اول آنکه زیادتی رکن در نافله باعث بطلان نمی شود چنانچه در حدیث
صحیح معتبر از حضرت صادق صلوات الله و سلامه علیه منقول است که اگر کسی در نماز
نافله سهو کند و تشهد نخواند و به رکعت سوم برخیزد و بعد از رکوع بخاطرش آید
رکوع را بگذارد و بنشیند و تشهد بخواند و سلام بگوید و شروع در نماز بعد از آن بکند
دوم آنکه از کلام جمعی ظاهر میشود که اگر رکنی را در نافله فراموش کند تا برکن دیگر
داخل شود بر میگردد و آن رکن را بعمل می آورد و اعمال را بعد از آن بعمل می آورد و در
که باین قول در فریضه قائل نشده اند احادیث را حمل بر نافله کرده اند سوم آنکه
سوره در نافله اتفاقا واجب نیست و در فریضه مختلف فیه است و همچنین نافله را در حال
اختیار نشسته و در راه رفتن و سواره می توان کرد و فریضه را بی ضرورت شرعی
باین احوال نمیتوان کرد و ابن عقیل خواندن حمد را در نافله نیز لازم نمیداند و بیوجه نیست
و بعضی راست ایستادن و سر برداشتن از رکوع و نشستن و سر برداشتن

ازسهو [illegible] چنانکه میدانند و خلاف احتیاط است اگرچه شیء فی الجمله و لا
[illegible] میکند احوط آنست که همه آداب و تعقیب را در نافله رعایت کند سیزدهم
[illegible] و اینکه [illegible] نماز احتیاطی باید آورد مانند سجود و تشهد
همچنین سجده سهو اگر [illegible] فراموش کند قصد ادا میکند و اگر در خارج وقت کند
قصد قضا میکند و این سخن محل نظر است و ظاهر نیت ادا و قضا در اینها در کار
نباشد فصل پنجم در بیان احکام سجده سهو و سببی چند است که باینها واجب میشود
و آن مشتمل بر چند فایده است فایده اول در بیان موجبات سجده سهو است پس آنها
نه چیز اند که بعضی اتفاقی است و بعضی اختلافی اول سخن گفتن به دو حرف یا زیاده
یا یک حرف تام الفایده است که دعا و ذکر و قرآن نباشد و در اینکه این موجب سجده سهو است
خلاف صریح میان علما نیست و احادیث بسیار بر آن دلالت میکند دوم شک
میان چهار و پنج است در نماز چهار رکعتی چنانچه گذشت و اگرچه در این فی الجمله خلافی نقل
کرده اند اما نادرست و احادیث بسیار بر این دلالت کرده است و بعضی در شک میان
چهار و شش یا زیاده نیز قائل بسجده سهو شده اند و مشهور بطلان نماز است چنانچه گذشت
سوم آنست که تشهد اول را فراموش کند و بعد از رکوع بخاطرش آید چنانچه گذشت
و علامه رحمه الله در فراموشی تشهد دوم نیز قائل بسجده سهو شده اند چنانچه مذکور شد
چهارم آنست که یک سجده را فراموش کند و بعد از رکوع متذکر شود و بنابر مشهور
چنانچه گذشت پنجم سلام گفتن بموضع است [illegible] بر این نقل اجماع کرده اند اگرچه خلافی

نیز ظاهر میشود و کلینی رحمه الله بعدم وجوب قایل شده اند و [illegible]

ششم ایستادن است در جائیکه باید نشست و نشستن در جائیکه [illegible]

قول جمعی از علما و احوط آنست که ترک نکند [illegible]

واقع می شود و بعضی سجده سهو واجب دانسته اند و بعضی تخصیص [illegible] داده اند و

اعم از واجبات و مستحبات گفته اند و ابن جنید از مستحبات خصوص قنوت را قایل شده است

که اگر سهوا ترک کند موجب سجده سهو است و ابو الصلاح لحن در قرائت را که غلط نحوی

یا حروف را از مخرج ادا نکند سهوا موجب سجده سهو دانسته است و رعایت این قول

احوط است اگرچه عدم وجوب اقوی است هشتم شک میان سه و چهار است با غلبه

ظن چنانکه ابن بابویه رحمه الله قایل شده است که بنا بر چهار میگذارد و سجده سهو میکند

و چون دو روایت معتبر بر این دلالت کرده است احوط عدم ترک است بلکه در هر شکی که

در رکعات که ظن غالب شود بر زیاده احوط سجده سهو است موافق بعضی از روایات

نهم آنست که شک کند میان زیاده و نقصان فعلی مثل آنکه شک کند که آیا سه سجده کرده ام

یا یک سجده و اند که یکی از اینها از و صادر شده است و این شک بعد از فوت شدن

محل تدارک باشد دو سجده سهو میکند بنا بر مذهب بعضی از علما و در قول جمعی روایت شامل

زیادتی و نقصان رکعات نیز هستند لهذا ما در صورت هشتم شک رکعات است

سجده سهو را احتیاطا ذکر کردیم و اگر چنین شکی در رکن بکند اظهر آنست که باطل است

مثل آنکه شک کند میان آنکه دو رکوع کرده ام یا در اصل رکوع نکرده ام زیرا که

... میان و صحوت که هر دو مبطل نماز است و شیخ مفید از برای سجده سهو
... نکرده است و از کلام او ظاهر میشود که مبطل نمیداند
... است اگر احتیاطاً تمام کند و سجده سهو بکند ...
نیز بکند شاید ... و در غیر صحوت رکن وجوب سجده نهایت قوت دارد و باید
که ترک نشود **قاعده دوم** اگر کسی چند موجب سجده سهو ازو واقع شود خلاف است
که آیا یکی کافی است یا بعدد هر یک دو سجده باید کرد و اگر چه اول اقوی است ولیکن
احوط آنست که از برای هر یک جدا دو سجده بکند و اولی آنست که بترتیب آنچه فوت
شده بجهت آن بعمل آورد و نیت بکند که دو سجده سهو میکنم برای فلان سهو که در فلان
نماز واقع شده است از جهت آنکه واجبست برای رضای خدا و در غیر سجده اول
و در سایر سجده های احتیاطی بقصد قربت اکتفا کنند و مشهور میان اصحاب آنست که
می باید بعد از نماز فوراً بعمل آورد و بعضی مستحب میدانند و این اظهر است و اول احوط
و باید که سخن نگوید میان نماز و آن سجده چنانچه احادیث بر آن دلالت کرده است
و اکثر واجب میدانند و احوط آنست که مطلقاً منافی نماز را در میان بعمل نیاورد
و اگر بعمل آورد یا تأخیر کند ازو ساقط نمیشود و نمازش نیز باطل نمیشود و همیشه
واجبست که بعمل آورد بنابر مشهور و اقوی و بعضی گفته اند که واجبست که در وقت نمازی
که سجده سهو از برای آن میکند بکند و اگر در وقت آن نماز بکند ادا است و اگر وقت بسر
رود قضا میشود و سابقاً گفتیم که نیت قضا و ادا در کار نیست و اگر فوراً بعد از نماز

بجا آورده آن که نمی گوید ظاهر آنست که بکند ...
یا حرف گفته باشد بهتر آنست که نیت ... و او قضا نکند و بعد ...
برای نماز قضا کند ... قضا کند و آن نیز ...
و شهر و اقوی آنست که محل سجده سهو مطلقا بعد از سلام است خواه از برای زیادتی باشد
و خواه از برای نقصان فایده سوم در بیان کیفیت سجده سهو است علما گفته اند
که در سجده سهو واجبست نیت کردن و بر هفت اعضای مقرره سجده کردن و طمانینت یعنی
قرار گرفتن در هر یک و سر برداشتن از سجده اول و بعضی گفته اند که آنچه در سجده نماز
واجبست در اینها واجبست از درست نشستن بعد از سجود و پوشانیدن عورت و با وضو
بودن و رو بقبله کردن اگرچه بحسب دلیل ثابت نیست اما احوط آنست که همه را رعایت کنند
شیخ طوسی علیه الرحمة تکبیر پیش از سجده ذکر کرده است و بعضی گفته اند که سنت است
و اگر موافق روایتی که در باب سجود سهو پیشتر واقع شده است در اول و بعد از سر
برداشتن از هر سجده تکبیر بگوید شاید احوط باشد و اظهر آنست که در کار نیست و اکثر
علما تشهد و سلام و ذکر سجده را واجب میدانند و بعضی ذکر را مستحب میدانند و
در تشهد خلافست که آیا البته تشهد صغیر می باید خواند یا تشهد کبیر در نماز میخواند و احوط آنست
که اکتفا نماید به تشهد صغیر باینکه بگوید اَشهَدُ اَن لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَ اَشهَدُ
اَنَّ مُحَمَّداً رَسولُ اللهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بعد از آن سلام بگوید
و احوط آنست که در ذکر هر سجده بگوید بِسمِ اللهِ وَ بِاللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ

[illegible] و اگر بگوید بسم الله و بالله و صلی الله علی
[illegible] نیز خوب است و ظاهر اینست که مطلقا ذکر کافی باشد خاتمه در
بیان [illegible] چند وجه میشود اول آنست که تفکر کند
در عظمت [illegible] خود و بداند که خداوند عظیمی را بندگی میکند که بر خفایای اعمال او
مطلع است و کسی بغیر او قادر بر ضرر و نفع او نیست و حیات و روزی و عزت
و کرامت دنیا و آخرت او بدست اوست و نعمتهای غیر متناهی هر لحظه بر او وارد
و تفکر کند در احتیاج خود بسوی آن خداوند و بندگی او و در عظمت نعمتهای آخرت
و پستی لذات دنیا و شدت عقوبت آخرت پس اگر در همین تفکر صحیح بکند موجب
قطع علائق و قلت وساوس شیطانی میشود و دلش متوجه جناب مقدس الهی میشود
و چون دل متوجه خدا باشد شک و سهو از و واقع نمی شود و این معنی را در کتاب
عین الحیوة فی الجمله بسطی داده ام و این رساله مختصر گنجایش آن ندارد دوم آنکه
پناه ببرد بجناب مقدس الهی از شر شیطان و استعاذه حقیقی بجا آورد مانند
کسی که از انواع درندگان گریخته پناه به بزرگ قادری ببرد و از او امان طلب
کند در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که مردی
حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله بتو شکایت میکنم از آنچه
بمن میرسد از وسوسه های شیطانی در نماز خود حتی آنکه نمیدانم که چه مقدار نماز کرده ام
از کمی و زیادتی حضرت فرمود که چون خواهی که داخل نماز شوی انگشت شهادت

دست راست را بر ران چپ بگذارد و زود بگوید بسم الله و بالله
الله اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم [illegible]
ها از خود دور کند سوم آنست که حساب نماز خود را [illegible]
نگاه دارد چنانچه در حدیث معتبر منقول است که شخصی بخدمت امام جعفر صادق
علیه السلام شکایت کرد از بسیاری شک فرمود که عدد نماز خود را بسنگریزه
نگاه دارد و در روایت معتبر دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت عرض کرد که بسیار
شک میکنم و نمی توانم حساب نماز خود را نگاه داشت مگر بانگشتر که از انگشتی بانگشت
بگردانم فرمود که باکی نیست و در حدیث معتبر دیگر فرمود که باکی نیست کسی که نماز
خود را بشمارد بانگشتر یا بسنگریزه چند که در دست گیرد و بشمارد چهارم
آنست که نماز را بسیار طول ندهد و سبک بجا آورد و سوره های کوتاه بخواند
چنانچه در حدیث صحیح منقول است که شخصی بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام
شکایت کرد که سهو در نماز شام بسیار میکنم فرمود که نماز را بقل هو الله احد
و قل یا ایها الکافرون بجا آورد راوی گفت که من چنین کردم شک از من رفع شد
و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول است که سزاوار است نماز را سبک بجا آورد
از جهت سهو و در حدیث موثق منقول است که شخصی بآنحضرت عرض کرد که شک
بسیار میکنم فرمود که نماز را تند بکن راوی گفت که چگونه تند بکنم فرمود که سه تسبیح
در رکوع و سجود بگو یعنی سه سبحان الله و در هر یک بگو یا تسبیح بزرگ که مجموع یک

[illegible] وجه پنجم آنست که نماز را با جماعت بجا آورد که
[illegible] اگر همه بذکر یکدیگر آید و رحمت الهی بر همه نازل میشود
[illegible] بر لشکرهای شیطان ایستد موجب
انهزام عساکر شیاطین میگردد و لهذا شیطان در منع نماز جماعت زیاده از سایر اعمال
سعی می نماید و تا مقدور است او را شبها در خاطر می اندازد که ایشان را
از این فضیلت محروم گرداند و استیلای او بر ایشان باقی باشد حق تعالی جمیع مومنان
و سایر احوال از شر او محفوظ دارد بمحمد و آله الطاهرین باینجا ختم شد این رساله
عجاله در مشهد مطهر منور امام المومنین و مولی المسلمین و بضعه سید المرسلین علی
بن موسی الرضا صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین و اولاده المعصومین در دوازدهم
ماه ذی القعده الحرام از سال هزار و هشتاد و پنجم از هجرت

الحمد لله اولا و آخرا و صلی الله علی محمد و آله المقدسین